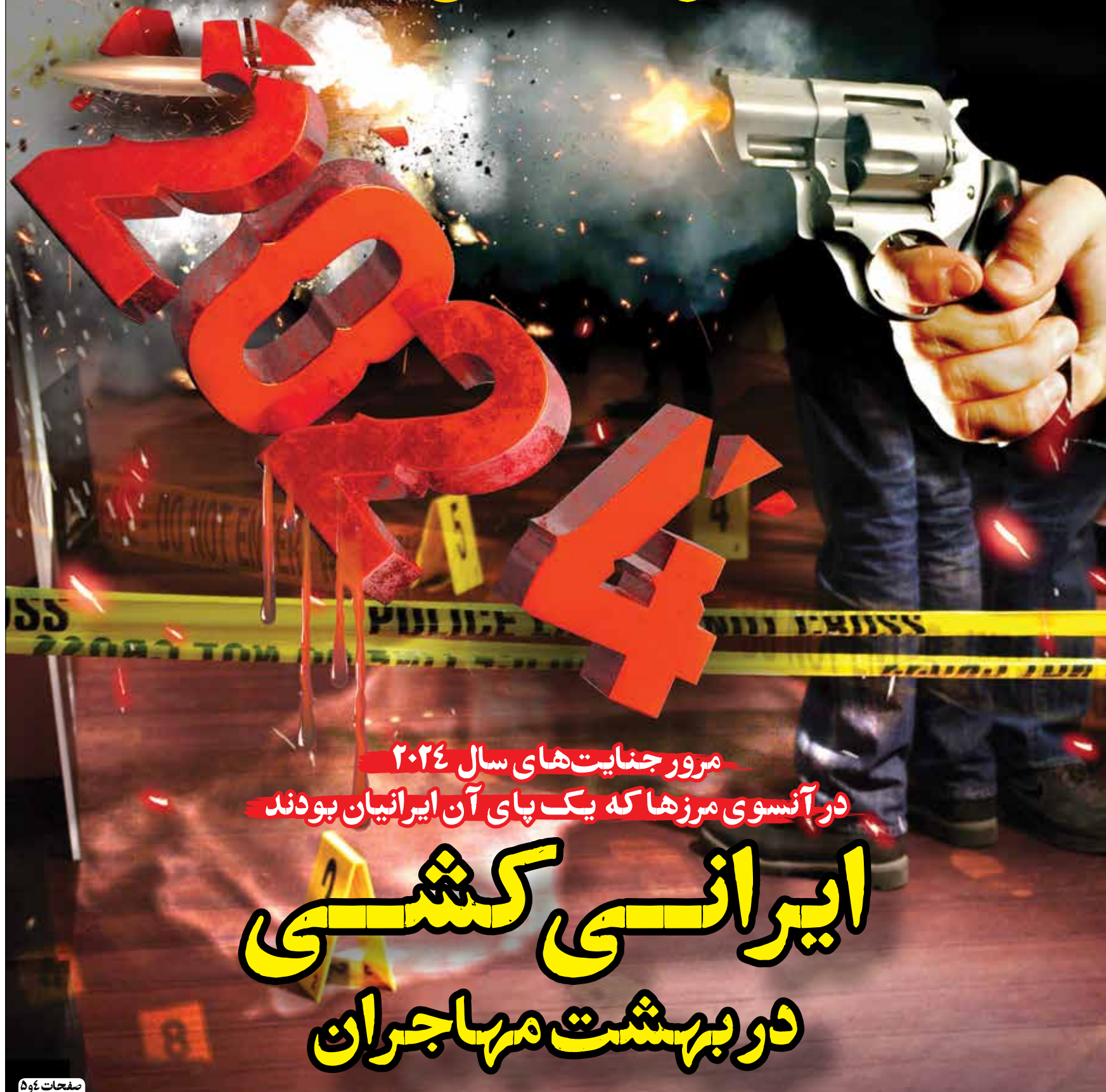


تشریح

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم
چهارشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۳

۱۰۹۱



مرور جنایت های سال ۲۰۲۴
در آنسوی مرزها که یک پای آن ایرانیان بودند

ایرانی کشی در بهشت مهاجران

صفحات ۵ و ۶

آگهی مزایده

۳۴۹۸ و ۱۴۰۳/۳۴۹۷

خودرو و اقلام حضوری مرکز فروش کوثر

شرح در صفحه ۷

سازمان آگهی ها روزنامه جام جم ۴۹۱۰۵۰۰۰

daneshpayam.agahi@gmail.com



گفت و گو با سارق حرفه‌ای خودرو

تعدیل نیرو و مرا دزد کرد

ویدئو خبری دیپلم فنی در رشته تپش ساختمان دارد، اما

سارقی است که امروز دستبند به دست منتظر است به جرایم رسیدگی شود. اولین بار است دستگیر شده و می‌گوید در یک شرکت ساختمانی کار می‌کند. این هفته رودروی این متهم نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

خودت را معرفی کن.

اکبر هستم و ۵۴ سال دارم.

چرا دستگیر شدی؟

به جرم سرقت. اولین بار است که دستگیر می‌شوم و فقط دو ماه خلاف کردم.

بیکار بودی؟

خیر. من دیپلم فنی ساختمان دارم و دست به‌آچار هستم. در یک شرکت ساختمانی معروف کار می‌کنم. فقط چون شرکت هر شش ماه تسویه حساب می‌کرد، من

کم‌آوردم و وسوسه شدم سرقت کنم. تعدیل

نیرو کردند و زندگی‌ام زیر و رو شد.

متاهلی؟

همسرم فوت کرد. دو دختر دارم که پزشکند و سر خانه و زندگی خودشان.

با همدست چگونه آشنا شدی؟

وقتی مجرد می‌شوی، پای زن و دوستان ناباب به خانه‌ات باز می‌شود. با آرش از طریق یک زن خیابانی آشنا شدم. با هم مواد مخدر مصرف می‌کردیم.

اعتیاد داری؟

۱۶ سال معتاد بودم. ترک کردم و ۱۴ سال و سه ماه پاک بودم. بعد از فوت همسرم از فروردین دوباره به سمت اعتیاد رفتم.

چه مخدری مصرف می‌کردی؟

قبل از پاکی تریاک و شیره بود. این بار با تریاک شروع کردم و سه ماه آخر فقط شیشه می‌کشیدم. آن زن شیشه را در دامن من گذاشت.

خانواده‌ات می‌دانند دستگیر شدی؟

نگذاشتم کسی بفهمد. اصلاً رویم نمی‌شود بگویم بعد از این همه سال دزد شدم. یک دخترم کاناداست.

حالا چه چیز سرقت می‌کردی؟

خودرو.

چه شد سراغ سرقت خودرو رفتی؟

همدستم وقتی وضعیت من را دید، گفت که بیا سرقت کنیم. چون دست‌فرمانم در رانندگی خوب بود به من پیشنهاد سرقت خودرو داد.

می‌دانستی آرش سارق سابقه‌دار است؟

نه. نمی‌دانستم او دزد است. فکر می‌کردم شغلش شوتی است. بعد که به من اطمینان پیدا کرد، گفت دزد است و پیشنهاد داد همدستش شوم.

چرا قبول کردی؟

برای دخترم در کانادا باید پول می‌فرستادم. من خرجم به دلار بود و دلم ریال. تمام زندگی‌ام به‌هم‌ریخته بود و به‌خاطر همین

قبول کردم سارق خودرو شوم.

هر خودرویی را سرقت می‌کردید؟

خیر. مالخر به همدستم سفارش می‌داد و ما طبق خواسته او همان مدل و رنگ خودرو را سرقت می‌کردیم.

چه تعداد سرقت انجام دادید؟

خیلی زیاد. حسابش از دست‌مان در رفته است. بیشتر از ۲۵ خودرو بود.

در کدام مناطق بیشتر سرقت می‌کردید؟

شمال شهر. چون بقیه مناطق را خیلی بلد نبودیم و راه فرارش را نمی‌دانستیم.

با چند مالخر کار می‌کردید؟

مالخرها آدم‌های زنگ و قالتاکی هستند. همیشه واسطه آنها برای خرید خودروی سرقتی می‌آمد. من فقط یک مالخر را دیدم.

از هر سرقت چقدر گیر تو می‌آمد؟

بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان.

کجا دستگیر شدید؟

کنار خیابان در خودروی سرقتی مشغول مصرف مواد بودیم که گشت رسید و مشکوک شد. من گرفتار شدم و آرش فرار کرد و خودش را از بالای پل به پایین انداخت که زخمی شد و با آن حال فرار کرد. اما در ادامه دستگیر شد.

حالا چه می‌شود؟

من که مشکل مالی‌ام حل شده بود حالا باید تاوان خسارت به مردم را بدهم. آهی در بساط ندارم و به‌خاطر ندانم‌کاری و تاوان رفاقت با آرش باید چند میلیارد پس بدهم.

به عنوان یک دزد تازه‌کار چه پیشنهادی داری

تا خودرو سرقت نشود؟

اولین قدم نصب دزدگیر تصویری است. بعد خودرو حتماً سوئیچ مخفی و جی‌پی‌اس داشته باشد. دوربین ثبت وقایع هم موثر است، چون چهره سارق را می‌گیرد و اگر دزد دوربین را ببیند، سراغ خودرو نمی‌رود. قفل فرمان و قفل پدال فقط وقت‌گیر است و محافظ خوبی برای خودرو در برابر سرقت نیست. اگر کلید یک قفل فرمان داشته باشید معمولاً با چند بار بالاوپایین کردن داخل هر قفل‌فرمانی، می‌توانید آن را باز کنید. بهتر است دزدگیر خودرو را به بوق وصل کنید که در پیشگیری از سرقت بسیار موثر است.

قربانی توطئه‌ای دخترانه شدم!

ناگهان تغییر می‌کرد. چند روز تلفن جواب نمی‌داد. بی‌دلیل گریه می‌کرد. این رفتار باعث شد از او خسته شوم. چند بار خواستم به رابطه‌مان پایان دهم اما تهدید به خودکشی کرد. در این میان با دختر دیگری آشنا و با او دوست شدم. یک روز شیلا متوجه این رابطه شد و تهدید کرد روزگرم را سیاه می‌کند. تهدیدش را جدی نگرفتم تا این‌که چند روز بعد در محل کارم دستگیر شدم و فهمیدم به اتهام تجاوز به عنف و تهیه فیلم سیاه از من شکایت کرده تا انتقام بگیرد. به اینجای صحبت‌هایش که رسید، منشی دادگاه نام او و شیلا را صدا زد و وارد شعبه شدند.

سیگارش را روشن کند، بسته سیگار را جلوی چشم گرفتم و تعارف کردم. او هم یک نخ برداشت و با فندک خودش روشن کرد. هیچ حرفی نمی‌زد و من سر صحبت را باز کردم و گفتم در این مدت او را زیر نظر دارم و می‌دانم هر روز به اینجا می‌آید و بعد از چند دقیقه سکوت سنگین‌اش شکست و از زندگی‌اش گفت. از پدر و مادرش که خیلی وقت است جدا شده‌اند. از نامادری بد اخلاقش که برای فرار از غم‌های او به پارک می‌آید و ... کم‌کم رابطه ما جدی شد و به او قول ازدواج و رهایی از این وضعیت را دادم. پس از چند ماه متوجه مشکلات روحی او شدم. اخلاقش

۱۸ سال دارد و با اتهام سنگین تجاوز به عنف مواجه است و در صورت اثبات ادعای دختر نوجوان با مجازات اعدام روبه‌رو خواهد شد. دستبند به دست مقابل در دادگاه منتظر است تا منشی صدایش کند و داخل برود. آن سوی راهرو هم شاکی همراه پدر و مادرش ایستاده و حرکات پسر جوان را زیر نظر دارد. می‌گوید بی‌گناه است و قربانی یک توطئه دخترانه شده است! ادامه می‌دهد: یک سال قبل در پارک با شیلا آشنا شدم. اغلب روزها می‌دیدم که به پارک می‌آید و یک گوشه می‌نشیند و سیگار می‌کشد و بعد از ساعتی می‌رود. یک روز کنارش نشستیم و قبل از این‌که

رفیق کشی به خاطر

۵۰۰ هزار تومان

راز قتل پسر جوان که قربانی بدهی ۵۰۰ هزار تومانی خود شده بود، خاطره‌ای است که این هفته آن را روایت کرده‌ایم



هوای سرد زمستان ۹۶ دیگر با نزدیک شدن به بهار رو به گرمی می‌رفت و در شهر همه شور و اشتیاق سال نو را داشتند. ترافیک خرید شب عید راننده‌ها را کلافه کرده بود. ۲۷ اسفند به اداره ویژه قتل رفتم و مشغول بازجویی از متهمی بودم که همسرش را کشته بود. تلفن کشیک قتل زنگ خورد. آن سوی خط افسر کلانتری شمال تهران بود که از کشف جسد خونین پسر جوانی در داخل خانه‌اش خبر می‌داد.

سریع آدرس را گرفتم و به سمت آنجا حرکت کردم. محل جنایت یک آپارتمان کوچک بود. وقتی رسیدم با راهنمایی مامور کلانتری به طبقه دوم آپارتمان رفتم. جسد پسر جوانی که جای چند ضربه چاقو روی بدنش بود، کف پذیرایی با لباس منزل افتاده بود. افسر کلانتری گفت: جناب سروان دوست مقتول خبر کشف جسد را داد که ما هم آمدیم و با جسد پسر جوان روبه‌رو شدیم. پزشک قانونی مشغول بررسی صحنه شد و قاضی جنایی هم در صحنه حاضر شد.

پسر جوان که از گریه کم رمق شده بود را به داخل پارکینگ بردم و از او خواستم هرچه می‌داند بگوید.

پسر جوان حق‌کنان گفت: من و دانیال سال‌هاست با هم دوست هستیم. دیشب در خانه او بودم که مرد جوانی به خانه آمد و دانیال از من خواست خانه را ترک کنم. صبح هرچه با او تماس گرفتم جواب نداد و قبل از این‌که به سرکار بروم گفتم به او سر بزنم. وقتی به مقابل در آپارتمان رسیدم دیدم در نیمه باز است. داخل خانه آمدم و جسد خونین دوستم را دیدم و با پلیس تماس گرفتم.

پزشک قانونی بعد از معاینه جسد اعلام کرد حدود ۶ ساعت از مرگ پسر جوان می‌گذرد و جای ۷ ضربه چاقو روی بدنش است. برای این‌که متوجه شویم کدام ضربه باعث مرگش شده باید در پزشکی قانونی جسد را کالبدشکافی کنیم.

خانه را بررسی کردیم و متوجه شدیم هیچ سرقتی رخ نداده است. بازپرس پرسید آیا دلیلی برای بازداشت دوست دانیال وجود دارد که خواستم یک ساعتی به من فرصت دهد تا صحنه را بیشتر بررسی کنم. مدیر ساختمان را احضار کردم و از او خواستم فیلم دوربین‌های مداربسته را نشانم دهد.

دیدن فیلم دوربین‌ها، گفته‌های دوست مقتول را تایید می‌کرد و مرد ناشناس دو ساعت بعد از ورود به آپارتمان مقتول، ساعت ۴ صبح خانه او را ترک کرده بود، به همین دلیل دوست او را راهی خانه کردم و از خواستم فردا صبح زود به اداره قتل بیاید. فردا صبح به اداره رفتم و پسر جوان با چند نفر دیگر آنجا بودند که فهمیدم برادران و پدر مقتول هستند.

پسر جوان را به اداره تشخیص هویت فرستادم تا چهره مهمان ناشناس را ترسیم کند و تحقیق از پدر و برادران مقتول را آغاز کردم. پیرمرد وقتی روبه‌رویم نشست، مدعی شد پسر دانیال در آن خانه تنها زندگی می‌کرد و کارش گچکاری بود. او آزاری به کسی نرسانده و سرش در کار خودش بود. نمی‌دانم چه کسی فرزندم را

او را سوار ماشین کردم و در طول مسیر دستبند را به دستانش زدم که شوکه شد و در رابطه با کارم سؤال کرد که گفتم ۶ ماه است دنیال تو می‌گردد و می‌دانم حمید هستی و دوستت دانیال را به قتل رساندی، سردی بدنش را حس می‌کردم. کارهای قضایی را انجام دادم و او را برای تحقیقات بیشتر به تهران آوردم.

بعد از دو روز طاقت فرسا ساعت ۸ شب به اداره رسیدم و متهم را تحویل بازداشتگاه دادم و به خانه رفتم. صبح روز بعد حمید را از بازداشتگاه تحویل گرفتم و از پسر ۲۹ ساله خواستم واقعتاً را بگوید.

سرش پایین بود که شروع به حرف زدن کرد و گفت: من و دانیال همکار بودیم. در یک ساختمان کار می‌کردیم. او چند ماه قبل از جنایت از من ۵۰۰ هزار تومان قرض گرفت و گفت دو ماهه پس می‌دهد.

چند باری از او خواستم پولم را بدهد که طفره رفت. روز حادثه به خانه‌اش رفتم که دوستش آنجا بود. با رفتن پسر جوان، موضوع بدهی را پیش کشیدم که دانیال گفت به من بدهی ندارد که بخواهد پس بدهد.

با آرامش سعی کردم پولم را پس بگیرم، اما او منکر بدهی بود و همین مرا عصبانی کرد و باعث شد با چاقویی که همراهم بود چند ضربه به دانیال بزنم.

روی زمین افتاد و غرق خون بود. وقتی فهمیدم او مرده، سریع به خانه رفتم و وسایلم را برداشتم و راهی شهری در شرق کشور شدم. پسر جوان که آرامش خاصی در چهره داشت، ادامه داد: در این شهر با هویت جعلی کارگری می‌کردم و شب‌ها در اتاقک کارگران می‌خوابیدم. وقتی سه ماه از قتل گذشت و پلیس سراغم نیامد، خیالم راحت شد که کسی دنیال من نیست، اما شما دستگیر کردید و به تهران آوردید.

با اعترافات پسر جوان او را به صحنه جنایت بردم تا صحنه جنایت را بازسازی کند.

به قتل رسانده و از شما می‌خواهم قاتل را پیدا کنید. وقتی تحقیق از خانواده دانیال تمام شد، دوستش با پرگه چهره‌نگاری آمد. برگه را از او گرفتم و نشان خانواده مقتول دادم. بعد از یک دقیقه پدرش گفت این حمید همکار دانیال است. چهره حمید شبیه همین عکس است. از او خواستم توضیح دهد که گفت حمید و دانیال همکار هستند و با یکدیگر در یک ساختمان گچ‌کاری می‌کنند. سریع آدرس ساختمانی که دانیال در آن کار می‌کرد را گرفتم و با همکارانم راهی ساختمان شدیم. سرکارگر با دیدن چهره فرضی قاتل هم اعلام کرد شبیه حمید است و گفت: پسر جوان دو روز است سرکار نیامده و جوابگوی تماس‌ها نیست.

از قاضی دستور بازداشت متهم را گرفتم. دیگر عید شده بود و من هفته اول مرخصی داشتم. پرونده را به همکارم دادم تا در ایام تعطیلات، تحقیقات را ادامه دهد تا حمید پیدا شود. روز هفتم فروردین سرکار آمدم و متوجه شدم متهم فرار کرده و هیچ ردی از او وجود ندارد. بررسی تلفن همراهش نشان می‌داد او آخرین بار به خانه رفته و پس از آن موبایلش دیگر روشن نبوده و خانواده‌اش هم از او خبر ندارند.

روزها و ماه‌ها می‌گذشت و هیچ ردی از پسر رفیق‌کش نداشتیم. حدس می‌زدم قاتل به شهر دیگری رفته و مشغول زندگی با هویت جعلی است. شهر خودش در مرکز کشور را هم زیر نظر گرفتیم اما ردی به دست نیامد. شش ماه از قتل دانیال گذشته بود که متوجه شدیم حمید در یکی از شهرهای شرقی کشور است.

پس از هماهنگی با پلیس آن شهر، آنها تایید کردند که حمید با هویت رضا محمدی، چند ماهی است در آن شهر به عنوان کارگر ساده حضور دارد.

از همکارانم خواستم او را زیر نظر بگیرند تا فرار نکند و متوجه موضوع هم نشود.

به سرعت با نیابت قضایی همراه دو همکار دیگر به آن شهر رفتیم. به عنوان کارفرما دور میدان رفتم و حمید را شناسایی کردم. به بهانه این‌که کار دارم



سال ۲۰۴۶ با اتفاقات تلخ و شیرین خود به پایان رسید و در این سال شاهد اتفاقات تلخی برای هموطنانمان در آن سوی مرزها بودیم که تعدادی از آنها چند روزی به سوژه رسانه‌های تبدیل شده بودند. از جنایت پادکستر معروف جنایی در کانادا تا قتل ورزشکار ایرانی در تایلند. در تعدادی از پرونده‌ها اتباع ایرانی در جایگاه متهم و در پرونده‌های دیگری در جایگاه قربانی ایستاده بودند. در آخرین اتفاق هم شاهد اعدام شش تبعه ایرانی از سوی کشور عربستان بودیم. وزارت کشور عربستان، اتهام شش ایرانی را مرتبط با مواد مخدر اعلام کرده بود. این هفته به مرور مهم‌ترین پرونده‌ها پرداختیم که در آن ایرانیان قربانی جنایت‌هایی شدند که اغلب در بهشت مهاجران رخ داد.

درگیری مرگبار ورزشکار ایرانی در تایلند



در آخرین روزهای سال میلادی خبری منتشر شد که افراد ناشناسی ورزشکار ایرانی رشته MMA را در تایلند به قتل رساندند. آنطور که پلیس این کشور اعلام کرد امیرمحمد اسدی تبعه ۲۵ ساله ایرانی در یک درگیری خیابانی در تایلند با ضربات چاقوی افراد ناشناس کشته شد. این ورزشکار چند سالی در ایران فعالیت کرد اما برای مبارزه و یادگیری بیشتر به تایلند رفته بود. او در سطح آماتور مسابقه می‌داد و قصد داشت وارد دنیای حرفه‌ای شود که دو روز قبل از سال نو میلادی، افراد ناشناس او را با ضربات چاقو در خیابان کشتند و فرار کردند. در حال حاضر تحقیقات پلیس برای پیدا کردن قاتلان ادامه دارد.

تیراندازی دو مهاجر ایرانی در فرانسه



اواخر آذرماه بود که خبری از فرانسه منتشر شد که پسر ۲۲ ساله‌ای به پناهجویان کمپ جنگلی لون پلاژ، نزدیک شهر دانکرک در شمال فرانسه حمله کرده و نگهبانان و پناهجویان را به رگبار بسته است. این جوان جنایتکار قبل از حمله به کمپ پناهجویان، صاحبکار خود را هم کشته بود. در جریان حمله به کمپ پناهجویان لون پلاژ دو جوان ایرانی کردزبان مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و جان خود را از دست دادند. حمید و هادی به قصد رسیدن به انگلستان به ترکیه رفته و بعد با قایق خود را به یونان رسانده بودند. این دو جوان ایرانی که برای رسیدن به رویای شان تا یک قدمی مرگ هم رفته بودند با قایق قاچاقچیان انسان به کانال مانس رفته و بعد وارد کمپ پناهجویان در شمال فرانسه شده بودند. چند روزی از حضور آنها در کمپ نگذشته بود که مرد مهاجم با تفنگ ساچمه‌ای آنها را هدف قرار داد و جانشان را گرفت.

قتل و خودکشی زوج معروف ایرانی



مردادماه امسال خبر رسید یک پادکستر ایرانی در کشور کانادا همسرش را کشته، جسدش را در چمدان رها کرده و بعد خودکشی کرده است. این خبر خیلی زود در صدر اخبار فضای مجازی قرار گرفت و مشخص شد مهدی که پادکست جنایی تهیه و منتشر می‌کرد، همسرش را به قتل رسانده و جسدش را با چمدان به بیرون از خانه برده و بعد در خانه به زندگی خود پایان داد. چند هفته پس از این جنایت تلخ پلیس نیوفاندلند کانادا اعلام کرد که جسد باران زن ایرانی برخلاف برخی ادعاها مثله نشده و سالم است و جای کبودی و جراحت روی آن وجود دارد. اکنون که رسانه‌ها اعلام کردند باران اهل شمال کشور بوده و دو ماه قبل از جنایت برای زندگی کنار همسرش به کانادا رفته بود.

سرقت از تلافروش ایرانی



چند روز قبل از پایان سال میلادی، انتشار فیلم سرقت از یک تلافروشی در مونترال کانادا، سر و صدای زیادی به پا کرد. سه سارق با انتهای خودروی باربری، به ویتترین و ورودی مغازه می‌کوبند و پس از تخریب، وارد تلافروشی می‌شوند تا سرقت کنند. مرد تلافروش که ایرانی بود، با آنها درگیر شد و قصد داشت از سرقت تلاهایش جلوگیری کند. سارقان هم که به نظر می‌رسید قصد ندارند مرد تلافروش را بکشند یا تیراندازی کنند، با پتک چند ویتترین را تخریب و بعد از سرقت مقداری طلا فرار کردند.

دوباره ایرانی‌کشی در کانادا



با افزایش جمعیت ایرانیان در کانادا، وقوع جرم از سوی آنها یا بزه دیده شدن ایرانی‌ها افزایش یافته و در این میان قتل یکی از جرایم عادی و شایع شده است. در تیرماه امسال پلیس کانادا اعلام کرد که در برنبی بریتیش کلمبیا ونکوور کانادا قتل یک مرد ایرانی به پلیس گزارش شد. با حضور پلیس مشخص شد مقتول ۴۲ ساله و اهل اشنویه ایران است که به عنوان پناهجو به کانادا آمده بود. عاملان جنایت دو مرد افغان بودند که شناسایی و دستگیر شدند. این جنایت به علت اختلافات مالی گسترده رخ داده بود.

ایرانی در بهشت

مرور جنایت‌ها

در آن سوی مرزها که یک

مرد ایرانی راننده تاکسی را کشت



اواخر فروردین از استانبول خبر رسید مرد ایرانی یک راننده تاکسی ترک را کشته است. بررسی‌های پلیس نشان می‌داد، مرد میانسال تاکسی را در بستر کرایه کرده و وقتی قصد حساب کردن داشته است، راننده تاکسی ۲۰۰ دلار از او خواسته اما مرد ایرانی ادعا می‌کند ۵۰۰ لیر بیشتر نمی‌دهد و همین باعث می‌شود درگیر شوند که مرد ایرانی با چاقو راننده را به قتل می‌رساند و با سرقت خودروی پلیس فرار می‌کند، اما ساعتی بعد دستگیر می‌شود.

مرد میانسال در بازجویی‌ها اعتراف کرد: برای زندگی به اینجا آمده بودم، سه ماه است اینجا هستم اما کاری پیدا نکردم و پول‌هایم در حال تمام شدن بود. چون قصد داشتم به آلمان بروم دنبال قاچاق‌بر بودم. یک تاکسی کرایه کردم تا در شهر دور بزنم و قاچاقچی انسان پیدا کنم. او ۲۰۰ دلار خواست در حالی‌که ۵۰۰ لیر توافق کرده بودیم. همین باعث درگیری ما شد و او را پس از فحاشی کشتم.

پای سال ۲۰۲۴
کشی

مهاجران



مرد ایرانی قربانی سرقت ساعت



آبان ماه امسال مرد ۳۲ ساله ایرانی-آمریکایی قربانی سرقت مرغبار ساعت گران قیمتش در مکزیک شد. سیروس، نامزدش و دوستانش برای تعطیلات به گوادالاخارا، مرکز و بزرگترین شهر ایالت خالیسکو مکزیک رفتند. آنها مشغول قدم زدن بودند که دو مرد و یک زن از تاکسی پیاده شدند و از او درخواست کردند ساعتش را تحویل آنها دهد. مرد ایرانی از این کار خودداری کرد و با سارقان درگیر شد. در همین حین دزدان با شلیک دو گلوله به صورت و سینه سیروس او را کشتند و با سرقت ساعت فرار کردند.

کشتن کلاهبردار ایرانی

در این حادثه یک مرد کانادایی در تورنتو جنایتی عجیب را رقم زد. مرد عصبانی که مدعی بود آرش چند سال قبل به بهانه وام، دار و ندارش را بالا کشیده است به دفتر کار مرد ایرانی و همسرش رفت و بعد از مشاجره با آنها، اسلحه‌ای را از زیر پیراهنش در آورد و آرش و سمیرا را به گلوله بست و کشت. مرد کانادایی لحظاتی بعد با اسلحه به خودش شلیک کرد و مرد. تحقیقات پلیس کانادا نشان داد آرش کلاهبردار بود و در سال‌های گذشته در یک پرونده به کلاهبرداری ۱۷ میلیون دلاری متهم شده بود. همسر عامل جنایت به پلیس و رسانه‌ها گفت: همسر مرد جنایتکاری نبود، اما طاقت نداشت ببیند خیلی راحت اموالش را می‌برند. او به دلیل مشکلات مالی، دست به این جنایت زد و به زندگی خودش هم پایان داد.



پزشک ایرانی قربانی همسر آمریکایی

شهریور ماه امسال بود که پزشک ایرانی در لس‌آنجلس وقتی قصد داشت از مطب به خانه برود، در داخل پارکینگ به ضرب پنج گلوله کشته شد. دکتر حمید شجاعی ۶۳ ساله که در لس‌آنجلس زندگی و طبابت می‌کرد جسدش داخل پارکینگ



مطب پیدا شد. بررسی‌های پلیس نشان می‌داد همسر دوم آقای دکتر و فرزند ۶ ماهه‌اش چند روز قبل از قتل به ترکیه سفر کرده بودند. همچنین مشخص شد چند ماه قبل تر سه نفر با چوب بیسبال به دکتر ایرانی حمله کرده بودند. بعد از سه ماه از وقوع جنایت، پلیس زن اول دکتر را به عنوان مظنون اصلی قتل دستگیر کرد. با ادامه تحقیقات مشخص شد، دو نفر از سوی همسر دوم آقای دکتر برای این قتل اجیر شده بودند. آنها ابتدا با چوب بیسبال به شجاعی حمله کرده و بعد با شلیک گلوله او را کشته بودند. اختلاف مالی انگیزه این جنایت اعلام شد.

اعدام پسر ایرانی در سنگاپور



آذر ماه امسال خبر آمد که سنگاپور قصد دارد یک جوان ایرانی-سنگاپوری را به جرم حمل مواد مخدر اعدام کند. بلافاصله ایران از طریق وزارت خارجه مراتب اعتراض خود را اعلام کرد، اما این اعتراض‌ها بی‌فایده بود و مسئولان این کشور مسعود رحیمی جوان ۳۴ ساله ایرانی را پس از ۱۴ سال

زندان اعدام کرد.

مسعود متولد سنگاپور بود اما بعد از طلاق پدر ایرانی از مادر سنگاپوری‌اش به ایران آمدند. او در ۱۷ سالگی برای سربازی به سنگاپور رفت و سال ۸۹ به دلیل داشتن ۲۱ گرم مواد مخدر در سنگاپور دستگیر و پس از ۱۴ سال اعدام شد.

زن جوان در دادگاه خانواده

شوهرم مرا با مادرش مقایسه می کند

وقتی به خانه مادرشوهرم می رویم، بارها در جمع به من توهین می کند و به مادرش می گوید کمی فلان چیز را به همسر هم یاد بده. دیگر تحمل این توهین ها و رفتارهایش را ندارم. او با این کارهایش، زندگی را برایم جهنم کرده است. مرتب استرس می گیرم که باز هم مقایسه می شوم. این مرد اعتماد به نفس مرا گرفته و دیگر نمی توانم در کنار او زندگی کنم. از این رفتارها خسته شدم. می خواهم برای همیشه از او جدا شوم تا با خیال راحت بروم و با مادرش زندگی کنم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی، همسر موضوع را زیادی بزرگ کرده است. من فقط گاهی اوقات با او شوخی می کنم و می گویم مثل مادرم به من رسیدگی نمی کنی. یا اگر خانه مادرم بودم، بیشتر هوای مرا داشت. اینها فقط یک شوخی بود. مثل خیلی های دیگر که از این نوع شوخی ها با هم دارند. ولی ساجده فقط دنبال بهانه است. حاضر نیست کوتاه بیايد. کافی است یک بار با او شوخی کنم؛ زندگی را برایم جهنم می کند. دیگر از رفتارهایش خسته شدم. او زن بهانه جویی است و مرتب دنبال دعواست. وقتی شب ها خسته از سر کار برمی گردم، مرتب باید حواسم به حرف هایم باشد که مبادا همسر از دستم ناراحت و دلخور شود و یا از حرفم جور دیگری برداشت کند و دعوا راه بیندازد. من هم دیگر خسته شدم و نمی خواهم در کنار این زن زندگی کنم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست در فرصت پیش آمده با یک مشاوره خانواده مشورت کنند.



خوش تیپ است. از من می خواهد مثل مادرش لباس بپوشم. در صورتی که من اصلا سلیقه مادرشوهرم را قبول ندارم. مثلاً وقتی از سر کار برمی گردد، از من توقع دارد مرتب از او پذیرایی کنم و غذا، چای و میوه برایش بیاورم. وقتی هم این طور نمی شود، می گوید اگر به خانه مادرم رفته بودم، کلی به من می رسید. وقتی غذا کمی دیر می شود، می گوید اگر در خانه مادرم بودم، گرسنه نمی ماندم. حتی

اتفاقی می افتد مرا با مادرش مقایسه می کند. مثلاً هر شب از دستبخت مادرش تعریف می کند و به من می گوید از مادرم یاد بگیر. روزهایی که خسته و بی حوصله ام مرا مسخره می کند و می گوید ببین مادرم با آن سن و سالش، چه روحیه خوبی دارد. بارها سر این موضوع با او درگیر شده ام و گفته ام که مرا با مادرت مقایسه نکن؛ ولی فایده ای نداشته است. وقتی لباس می پوشم می گوید از مادرم یاد بگیر که چقدر

مهرزاد وقتی مرتب همسرش را با مادرش مقایسه می کرد، در نهایت کارش به دادگاه خانواده کشیده شد. این زن که از رفتارهای شوهرش به شدت شاکی بود، وقتی مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی اش گفت: شوهرم مرتب مرا با مادرش مقایسه می کند. از این رفتارهای او به شدت خسته شدم و دیگر تحمل توهین را ندارم. هر



همسر خود را با دیگران مقایسه نکنید

به طور منفی استفاده کنند که در نهایت به حسادت و حسرت زندگی دیگران ختم شود، بسیار مخرب است و می تواند باعث پایان دادن به زندگی مشترک شود. مقایسه زندگی خود با دیگران و تعریف از دیگران جلوی همسر بسیار اشتباه و سمی است. این که زن و شوهر، دائم همسرشان را با دیگران مقایسه کنند و یا به تعریف از دیگران جلوی همسر بپردازند، مسلماً تأثیرات منفی و نامطلوبی در زندگی مشترک خواهد داشت. بدترین تأثیر مقایسه همسر با دیگران این است که می تواند رابطه شما را به شدت ضعیف کند، حتی اگر فرد به شوخی از مرد یا زن دیگری در پیش همسرش تعریف کند. این کار ممکن است باعث شود که طرف مقابل، خودش را ناکافی ببیند. مقایسه کردن با دیگران باعث می شود با گذشت زمان رابطه عاطفی زن و شوهر کم رنگ شود.

سارا شقاقی، روان شناس در این خصوص می گوید: برخی زوجها با مقایسه همسرشان با دیگران، باعث خراب شدن زندگی مشترک خود می شوند. متأسفانه امروزه مقایسه کردن زندگی خود با دیگران بسیار زیاد شده است و اکثر افراد اطلاعی از پیامدهای ناگوار این مقایسه ها ندارند. گاهی افراد خود را با دیگران مقایسه می کنند یا از این مقایسه برای رشد و تقویت خود بهره می برند. این کار تا حدودی بخش سالمی از رشد در هر مرحله از زندگی است. چنین کاری نوعی خودسنجی و انگیزه برای حفظ هدف و حرکت به سمت اهداف شخصی تلقی می شود. اگر مقایسه کردن از روی حسادت نباشد و به طور مثبت مورد استفاده قرار گیرد، به زوجها انگیزه می دهد که برای تقویت رابطه و داشتن یک زندگی شاد تلاش کنند؛ اما اگر از مقایسه کردن



تپش

مجله سلامت

خانواده

خاطره

مشاوره

گپ و گفت

نظریه کارشناس



سروان منصور مهدوی، از اداره آموزش معاونت فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی خراسان جنوبی در این باره می‌گوید: در زندگی همه انسان‌ها فرازونشیب وجود دارد و می‌توان گفت که جزء جدایی‌ناپذیر زندگی است، البته این موضوع به خودی خود خطرناک نیست، اما آنچه می‌تواند زندگی را در معرض آشفتگی و حتی نابودی قرار دهد، نحوه برخورد و مواجهه افراد با بحران‌هاست. با این حال، با فراگیری مهارت‌های حل مسئله و آشنایی بیشتر خانواده‌ها با مهارت‌های زندگی، می‌توان به مدیریت مشکلات پرداخته و خواسته‌ها و نگرانی‌های یکدیگر را بهتر درک کرد.

در این پرونده؛ افراط بهروز در پرداختن به شغل و درآمد و غفلت از خانواده اشتباه اول و عدم مشورت و کمک خواستن از آشنایان نزدیک پس از وقوع بحران اقتصادی و روحی اشتباه دوم اوست. در پایان لازم است به این نکته آموزشی توجه کنیم که شرایط زندگی همیشه بر وفق مراد ما نیست، باور این حقیقت می‌تواند گامی بلند برای ایجاد احساس آرامش در وجود ما باشد.

فرار از باتلاق ناامیدی

به‌طور کامل تغییر کرده بود؛ به‌راحتی عصبانی می‌شد و سر دخترمان داد می‌زد و با کوچک‌ترین مسأله‌ای از کوره در می‌رفت و وسایل خانه را می‌شکست، هر روز بیشتر از ما فاصله می‌گرفت به حدی که دخترم از او می‌ترسید؛ چند بار به او گفتم موضوع را به پدرم بگو شاید بتواند کمک کند، ولی قبول نکرد و گفت: نمی‌خواهم کسی از موضوع با خبر شود؛ شما هم حق ندارید به کسی در این باره حرفی بزنید. برخلاف گذشته که بهروز توجه چندانی به فضای مجازی نداشت، اما حالا شب و روز در کانال‌های مختلف پرسه می‌زند. گاهی به رفتارهای اعتراض می‌کردم، اما او بی‌اعتنا به حرف‌هایم ناراحت می‌شد و به اتاق دیگری می‌رفت. من زندگی‌ام را دوست دارم و از این شرایط خسته شده‌ام. به همین دلیل به مشاوره کلانتری آمدم تا راهنمایی بگیرم، شاید زندگی‌ام به روال عادی برگردد.

اوایل زندگی خوبی داشتیم، بهروز همیشه در کارهای خانه کمک می‌کرد. به دنیا آمدن دخترمان، زندگی را به کام ما شیرین‌تر کرد. بهروز به خرید و فروش عمده محصولات کشاورزی مشغول بود و به شدت به کارش علاقه داشت. او با تلاش روزافزون، کسب و کارش را رونق می‌بخشید. اما کم‌کم به قدری در کارش غرق شد که غروب‌ها به خانه می‌آمد و از شدت خستگی خوابش می‌برد. این وضعیت باعث شد که دیگر وقتی برای من و دخترمان نداشته باشد. اوایل مشکل زیادی با این وضعیت نداشتم، چون می‌دانستم برای رفاه و آینده‌مان زحمت می‌کشد، اما پس از مدتی، بهروز در چند معامله پی‌درپی دچار ضرر و زیان مالی شد و در نهایت ورشکستگی را تجربه کرد. بعد از آن، دیگر بهروز سابق نشد و انگار امیدش را به کلی از دست داده بود. بیشتر اوقات در خانه می‌ماند. گوشه‌گیر، کم‌حرف و بدخلق شده بود و رفتار او با ما

آگهی مزایده ۳۴۹۸ و ۳۴۹۷/۱۴۰۳ خودرو و اقلام حضوری مرکز فروش کوثر

مرکز فروش کوثر در نظر دارد تعداد ۶۰ دستگاه خودرو سبک، سنگین، موتورسیکلت و نیز اقلام مستعمل و اسقاط زیر را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند. تنوع خودرو: پژو سواری (۴۰۵ و روا)، مزدا وانت، تویوتا وانت هایلوکس، کاپرا وانت دوکابین، بنز کامیون (۱۹۲۱ و ۹۱۱ و ۲۶۲۴ و ۶۱۲D و ۶۰۸ و ۱۶۲۱)، تویوتا وانت (FJ۷۵) بنز مینی‌بوس (۳۰۹)، پراید سواری، سمند سواری، نیسان وانت، ایویکو کامیون تریلی کش، ایسوزو مینی بوس سحر، سواری تندر L۹۰، تویوتا استیشن پرادو، دنا سواری فولکس واگن استیشن، ماک کامیون تریلی کش، مکسوس استیشن ۷۸۰، انواع موتورسیکلت

آدرس محل بازدید: همدان، کیلومتر ۲۰ جاده همدان به تهران، شهرک صنعتی بوعلی، انتهای بلوار دوم، سمت راست، موقعیت پشتیبانی انصارالحسین (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۸۸۱۱۷۵۸۶

تنوع اقلام: دستگاه نانواپی، تانکر سوخت، سرخ کن، دینام جوش، پمپ بنزین

آدرس محل بازدید: همدان، کیلومتر ۲۰ جاده همدان به تهران، شهرک صنعتی بوعلی، انتهای بلوار دوم، سمت راست، موقعیت پشتیبانی انصارالحسین (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۸۸۱۱۷۵۸۶

ابزار آلات

آدرس محل بازدید: همدان، بخش مهاجران، به سمت روستای اخچلو، کیلومتر ۹، کارگاه انتقال آب همدان، تلفن تماس: ۰۹۱۸۸۱۴۷۱۶۲

لوازم صوتی و تصویری و اداری، لوازم سرمایی و گرمایی و آشپزخانه

آدرس محل بازدید: کرمانشاه، کیلومتر ۵ جاده بیستون، نرسیده به پل پایانه، روبروی پمپ‌بنزین اینار، به طرف روستای سیاه بید، موقعیت آماد و پشتیبانی نبی اکرم (ص)

تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۸۵۲۷۶۵

انواع کانکس با پایه فلزی

آدرس محل بازدید: تهران، سعادت آباد، بلوار دریا، نرسیده به مسجد، جنب کاروانش دریا، پلاک ۲۴، تلفن تماس: ۰۹۱۲۸۳۹۳۶۸۷

الف) شرایط مزایده:

۱) اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می‌باشد).

۲) خریدار موظف است به محض برنده شدن ۱۰٪ قیمت خرید را به عنوان سپرده به‌صورت نقد از طریق کارت‌های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول پرداخت نماید.

۳) بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۲ میلیارد ریال تهیه چک رمز دار و یا ارائه چک شخصی صیادی ثبت شده به نام مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.

۴) در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد. ۵) خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید ۲٪ بابت هزینه‌های جانبی مزایده و ۱۰٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده

به فروشنده پرداخت نماید. ۶) فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد. ۷) کلیه هزینه‌های پس از فروش اعم از بیمه، مالیات، عوارض شهرداری، دریافت تاییدیه معاینه فنی و هزینه‌های تعویض پلاک و نیز انجام امور اداری مربوطه به عهده خریدار می‌باشد

ب) زمان و مکان:

* زمان بازدید مزایده: روزهای چهارشنبه و شنبه ۱۹ و ۲۲ دی ماه ۱۴۰۳ صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶

* زمان برگزاری مزایده: روز یکشنبه ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ ساعت ۸ صبح

آدرس محل برگزاری مزایده: همدان، کیلومتر ۲۰ جاده همدان به تهران، شهرک صنعتی بوعلی، انتهای بلوار دوم، سمت راست

موقعیت پشتیبانی انصارالحسین (ع)، تلفن تماس: ۰۹۱۸۸۱۱۷۵۸۶

ساعت پاسخ‌گویی: صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت خدمات پس از فروش: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶

معاون ضمام: محمد غمخوار

دبیر ضمیمه: امیرعلی حقیقت طلب

تحریریه:

لیلا حسین زاده، هلیا نصرتی، امیرعلی حقیقت طلب،

مجید غمخوار، زینب علیپور طهرانی، معصومه ملکی،

سیما فراهانی و آدرینا ایرانمنش

صفحه آرایی: وحید اخباری

گرافیک عکس: زرناز حسینی

جلد: سپهر سهرابی فرد

ویراستار: مهدی یکمسادات

رسانه های نو: رضا آرتین

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴

JAMEJAM.NEWS

کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳

info@jamejamdaily.ir

شناسنامه

در این بخش حوادث قدیمی را دوباره بازخوانی می کنیم؛ حوادثی بسیار قدیمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات، نثر و نگارش قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره، اخبار جنایی ای که در سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ در روزنامه های کیهان و اطلاعات منتشر شده را با منبع دیده بان تاریخ مرور می کنیم:

راهزن خیابان های خلوت تهران دستگیر شد

جوانی که نیمه شب ها به قصد دستبرد به سرنشینان اتومبیل های شخصی با کارت برهنه مقابل اتومبیل درحال حرکت می پرید و راننده را ناچار به توقف می کرد، دستگیر شد. دو شب قبل حدود ساعت ۲ بعد از نیمه شب مردی به نام بهزاد به مأموران گشت کلانتری نارمک متوسل شد و ادعا کرد که چند دقیقه پیش حین عبور از خیابان سبلان، ناگهان جوانی را دیدم که چاقو به دست وسط خیابان پرید و بلادرنگ خود را در مسیر حرکت اتومبیل من قرار داد.

نحوه رفتار و ژست مخصوصش نشان می داد که قصد متوقف کردن

اتومبیل مرا دارد. من که با دیدن وی به منظور پی بردم و متوجه شدم که قصد حمله به مرا دارد بدون تأمل اتومبیل را نگه داشتم و با دنده عقب خود را از او دور کردم و گریختم. یکی از مأموران پلیس پس از شنیدن این ماجرا به نیت دستگیری سارق، سوار اتومبیل شاکي شد و از او خواست که دوباره به خیابان سبلان برود. به مجرد ورود اتومبیل به خیابان مذکور، بار دیگر جوان مزاحم

۳۰ سال زندان برای دو قاتل

مجرم شناختند و وی را برای ۱۵ سال به زندان فرستادند و درعین حال محکومش کردند که ۱۰۰ هزار تومان به عنوان خسارت ضرر و زیان به خانواده مجتبی بپردازد.

جنایت دوم

قضات شعبه چهارم دادگاه عالی جنایی مرکز نیز از صبح شنبه گذشته به پرونده قتلی رسیدگی می کردند که در اسفندماه سال ۵۱ در قرمزآباد تاکستان قزوین روی داد. در نزاع دسته جمعی که در نهم اسفند سال ۵۱ بین دو طایفه از اهالی این دهکده روی داد، چهار نفر به اسامی ابوالفتح، علی، غیبابا... و سجاد مجروح شدند و سرانجام یکی از آنها - ابوالفتح - پس از چند ماه در اثر جراحات وارده درگذشت. قضات شعبه چهارم دادگاه عالی جنایی پس از دو روز رسیدگی - متهم اصلی این پرونده را که سابقه شرارت نیز داشت - مقصر دانستند و وی را به ۱۵ سال زندان محکوم کردند.

اطلاعات ۱۳۵۳

دو متهم به قتل که در شعب سه و چهار دادگاه عالی جنایی مرکز محاکمه می شدند، هرکدام به ۱۵ سال زندان محکوم شدند. محاکمه ای که در شعبه ۳ انجام شد، به جنایتی که در مردادماه گذشته در دهکده «داودآباد» اراک اتفاق افتاده بود، رسیدگی می کرد. در این جنایت، ولی متهم بود که با ضربات چاقو مجتبی را به قتل رسانده است. ولی که در طول محاکمه اش پیوسته منکر قتل مجتبی بود، می گفت: «خانواده ما و مجتبی اختلافات دامنه داری داشتند. حتی بر سر یکی از این اختلافات پرونده ای تشکیل شده بود و در دادسرای اراک رسیدگی می شد. آن روز - روز وقوع حادثه - مجتبی که کارش نقاشی بود به خرمگاه من آمد و بنای داد و بیداد گذاشت و یک باره به من حمله کرد. پدر او هم به دنبالش بود و با چوب به من حمله کرد. در یکی از این حملات من جاخلی دادم و چوب به سر مجتبی خوردم. به رغم این اظهارات، دلایل برای محکومیت ولی کافی بود. به همین جهت قضات شعبه سوم دادگاه عالی جنایی، ولی را

با توجه به پرسش های ارسالی خوانندگان تپش در خصوص موضوعات حقوقی، مریم جنت آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می توانند پرسش های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۱۲۷ مطرح کنند و پاسخ را در همین ستون بخوانند.

«مزامحمت تلفنی: فردی برای من مزاحمت

تلفنی ایجاد می کند، اگر از او شکایت کنم با چه مجازاتی روبه رو خواهد شد؟ قانون مجازات اسلامی، آزار و اذیت شخص دیگری از طریق تلفن را یک جرم کیفری به حساب می آورد. طبق ماده ۶۴۱ این قانون «هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص به یک تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.» به موجب این قانون، مزاحمت تلفنی جرمی است که فردی از طریق تلفن، پیامک و سایر امکانات مخابراتی، آسایش فرد دیگری را سلب کرده و او را آزار و اذیت کند.

«طلب چک از مرده: از فردی چک دریافت

کردم اما قبل از سررسید آن فوت کرد، حالا چه اقدامی باید انجام دهم؟ دارنده چک ابتدا با گرفتن گواهی انحصار وراثت از طریق مراجعه به شورای حل اختلاف آخرین محل اقامت فرد متوفی و مشخص شدن ورثه، با طرح دادخواست حقوقی مطالبه چک و تقاضای صدور قرار تأمین خواسته، برای توقیف اموال متوفی به طرفیت ورثه - یعنی تمامی ورثه باید طرف دعوا قرار بگیرند- طلب خود را از دادگاه پیگیری می کند.



دستگیری اعضای باند سرقت مسلحانه خودرو و رهگذر در پایتخت و به همراه نمایشگاه کشفیات اموال مسروقه صدر پلیس آگاهی تهران بزرگ برگزار شد. سرکرده این باند سه روز بعد از آزادی از زندان سرقت ها یش را آغاز کرد.

